

در ستایش ۷۰ سالگی

کامران کاتوزیان

به کوشش: امراه فرهادی آردکپان
نویسنده و پژوهشگر: آرش تنهایی

سربشناسه: افرهادی اردکپان، امراله، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پبلیکاتور: در دستپایش ۲ سالگی کامران کاتوزیان/ به کوشش امراله فرهادی اردکپان؛
نویسنده و پژوهشگر ارش: تنهایی
مشخصات نشر: تهران، ویژه گار، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری: ۲۲ ص، تصویر (رنگی)،
شابک: ۹۶۴۱۷-۹۶۴-۹۷۸-۲۲۴۵۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: کاتوزیان، کامران، ۱۳۲۰- سرگزشتنام
موضوع: گرافیکست ها - ایران - سرگزشتنام
موضوع: گرافیک - ایران
شناسه افزوده: تنهایی، ارش، ۱۳۴۰-
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۴۱۲۵۲ الف ۹۹۲ NC
رده بندی دیویی: ۷۷۶/۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۳۸۶۳۵

درستپایش هفتاد سالگی کامران کاتوزیان
انتشارات ویژه نگار
سال انتشار: ۱۳۹۱
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۱۰۰۰
چاپ و صحافی: چاپ و نشر نظر
صفحه آرای: مهسا قلی نژاد، مارال گلریز
طراح جلد: کیانوش غریب پور
ویراستار: نرگس کشاورزینیا
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

آدرس: تهران/ کد پستی ۱۵۳۳۸۱/۶۶۸۶۱/ خیابان خرمشهر/ خیابان شهید عریعلی (نوبخت)/
خیابان سوم/ ضلع جنوب غربی میدان سوم/ شماره ۱۵ صندوق پستی ۱۴۱۵۵/۳۱۱۱
تلفن و دورنگار: ۸۸۷۶۰۹۲۳ / ۸۸۷۳۲۱۲۴ info@vijecorp.com



با تشکر از:

آیدین آغداشلو، شهرزاد اسفندیجانی، مریم اولیایی، مجید بلوچ، غزال پریزاد، شاهین ترکمن، حسن جاوید، ایمان جلالی، ابراهیم حقیقی، پیمان خاکسار، مهسا دارابی، مجید دوخته‌چی‌زاده، محسن دهقانی، اصغر رستمی، میرا سپهر بند، سنان سلطانی، مرجان سلیمانزاده، علی سلیمانی و عباس سلیمانی (مدیران شرکت نیک کالا)، شهرام سیف‌هاشمی، بگاه شرکت، فرید صداقت، مهدی عابدینی، احمد عالی، سینا عباسی، آدن فرمندی، سعید فروتن، محسن فروتن، آراد فرهادی آر دکیان، یلدا فریور صدزی، مرتضی قربانپور، مسعود قربانی، مینا کاتوزیان، لادن و کامبیز کاتوزیان، کمال الدین کاملیا، بهمن کیارستمی، مهدی گوران سوادکوهی، بهاره لشگری‌زاده، دکتر جوان‌مجبایی، هومن مرتضوی، کوروش مستوفی، منوچهر مستوفی، هومن مستوفی، دکتر غلامحسین معتمدی، بنیاد ممیز، سروش مهرجو، محسن میرزایی، غلامحسین نامی، مسعود نجات، امید نعم‌الحبیب، حمیدرضا نوروزی، حبیب‌الله هادی‌زاده مقدم، سایت الکترونیکی رنگ، سایت تحلیلی پژوهشی گرته

و با سپاس فراوان از

دکتر مجید سرسنگی (مدیرعامل خانه‌ی هنرمندان ایران)

پویا ناصری (مدیرمجمع‌لیتوگرافی رایانه نگار)

محمود رضا بهمن‌پور (مدیرمؤسسه‌ی فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر)

محمود پیش‌علی (مدیرشرکت چاپ فرارنگ آریا)

محمد هوشنگ نژاد (مدیرشرکت مشاور طراحی مدیا)

- کامران کاتوزیان - متولد ۱۳۲۰ تهران
- تحصیلات: لیسانس هنرهای زیبا (نقاشی و مجسمه سازی) از دانشگاه
ویندهام - ورمونت آمریکا - ۱۹۶۵
 - برنده جایزه اول چهارمین بی‌ینال تهران (نقاشی و مجسمه) - ۱۳۴۴
 - نمایشگاه‌های انفرادی در گالری‌های صبا، گار، کرته، تهران ۱۳۴۹-۱۳۴۴
 - نماینده هنر معاصر ایران در بی‌ینال پاریس - ۱۳۴۴
 - نماینده هنر معاصر ایران در بی‌ینال ونیز - ۱۳۴۵
 - نماینده هنر معاصر ایران در فستیوال بین‌المللی هنر - شهر واشنگتن -
۱۳۵۶
 - شرکت در نمایشگاه موزه ملی هنرهای سنتی رم - ۱۳۷۹
 - نمایشگاه انفرادی در گالری ماه مهر - تهران - ۱۳۸۸
 - آثار در موزه‌های: هنرهای معاصر تهران، هنرهای معاصر کرمان - هنرهای
مدرن نیویورک
 - موسس گالری صبا (اولین گالری هنرهای معاصر در تهران) - ۱۳۴۴
 - تدریس در دانشکده‌های: هنرهای تزئینی تهران و دانشکده‌ی هنر دانشگاه
آزاد اسلامی
 - بنیانگذار و مدیر شرکت‌های تبلیغاتی آوانگارد (۱۳۵۰) و کارپی (۱۳۶۵)

« تاریخ نانوشته‌ی تبلیغات در ایران از اولین سال‌های پیدایش چاپ و نشر و روزنامه تا کنون، فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. از اعلان‌ها و اطلاعیه‌های درج شده در جراید قبل از دهه‌ی ۴۰ که بگذریم، اولین دفاتر آگهی و تبلیغات از میانه‌ی دهه‌ی ۴۰ به طور حرفه‌ای و سازمانی شکل گرفتند.

با رشد روز افزون اقتصاد و تجارت ناشی از درآمدهای کلان نفتی کشور، آن‌ها هم در اواخر این دهه رشد سریع و برق‌آسانی داشته و آرام آرام به «آژانس‌های تبلیغاتی» تبدیل شدند.

این رشد و توسعه‌ی همه جانبه در کار تبلیغات، رونق و رواج چشمگیری نیز در کار رسانه‌ها پدید آورد تا بدان جا که درآمدهای حاصل از تبلیغات برای بسیاری از رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های چاپی، رادیویی و تلویزیونی بخش عمده‌ای از شریان حیاتی آن‌ها شد. این سیر رو به رشد با شتابی حیرت آور بدون هیچ درنگ و کاهشی خود را به انقلاب بهمن ۵۷ رساند و برای چند سال به کلی از کار افتاد. در این سال‌ها که جامعه با جنگ ناخواسته و پی‌آمدهای آن دست و پنجه نرم می‌کرد، اثری از تبلیغات در هیچ رسانه‌ای به چشم نمی‌خورد. هرچه بود آگهی‌های ترحیم و تسلیت بود و اعلان‌های کوچک بی‌قواره، برای خرید و فروش کالای خرد و خدمات دست‌پایین. با پایان جنگ باز نفس‌ها به سینه‌ها برگشت اما شهر خاکستری و بی‌روح نیازمند رنگ و رونق دیگری بود.

تابلوهای مربع شکل (۲ در ۲ متر با قاب سبز) به تعداد ۱۰۰ عدد، شهر خاکستری بی‌روح را شور و هیجانی تازه بخشید و این سرآغاز دورانی تازه در تبلیغات کشور انقلابی بعد از جنگ بود.

به تعداد دفاتر تبلیغاتی که حالا دیگر با عنوان «کانون تبلیغات» اجازه‌ی کار می‌گرفتند، با سرعت باور نکردنی افزوده شد. تهران و شهرهای بزرگ پر شدند از تبلیغات گوناگون شهری، روزنامه‌ها، مجلات، صدا و سیما و... در این واگشائی شعف‌انگیز، تولیدات داخلی و همچنین کالاهای وارداتی، نیازمند معرفی به جمعیت بزرگ رها شده از جنگ و محرومیت‌های ناشی از آن بودند.

بودجه‌های تبلیغاتی ردیفی از بودجه‌ی موسسات را تشکیل می‌داد و درآمدهای کلان آن موضوع مناقشات و کشمکش‌های ناپسند!

تا به امروز که دیگر شهر و شهرنشین، و حتی روستایی و حاشیه‌نشین هم از هجوم تبلیغات بی‌هویت، زشت و افسارگسیخته در امان نیست، از پیشگامان و نامداران خوش فکر و خلاق این صنعت هم کمتر کسی دیگر دل و دماغ کار دارد و کار تبلیغات باز هم انگار «اصلاً شغل چندان آبرومندی نیست» اما... در تاریخ این حرفه و صنعت پررونق دو دهه‌ی شکوفا، خلاق و خوشنام وجود دارد که بی‌گمان در هر نوبی آن‌ها نام استاد «کامران کاتوزیان» در صدر است. یکی، دهه‌ی قبل از انقلاب با آثار درخشان و غیرقابل انکار ایشان با امضای «آوانگارد» که خلاقیت، نوآوری مدرن، اصالت و صداقت را در تبلیغات ایران به ارمغان آورد

و دیگر، دهه‌ی آغازین بعد از پایان جنگ که باز هم خلاقیت و نوآوری، و همچنان با همان صداقت و شرافت ذاتی حرفه‌ای، رونق و امید را به زندگی جامعه بازگرداند. به گفته‌ی آیدین آغداشلو؛ «کامران کاتوزیان همانگونه که در تبلیغات و طراحی گرافیک تبلیغات پیشگام است، بیش از آن هم به عنوان یک هنرمند نقاش پیشتان، همیشه ترکیب قابل توجهی بوده از پیشتازی و پیشگامی که می‌توان گفت؛ یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های فرهنگی و هنری ۵۰ سال گذشته است». مدرسه‌ی ویژه افتخار دارد که در ۱۱ آذرماه نود، همزمان با سالروز تولد این هنرمند و معلم بزرگ، با برگزاری مراسم نکوداشتی با عنوان؛ «در ستایش ۷۰ سالگی کامران کاتوزیان» ادای احترام کرده و سهم کوچکی از دین بسیار بزرگی را که برگزیده دارد، ادا کند.

امراه فرهادی آر دکپان

پاییز ۱۳۹۰

فهرست

۱۱	آغاز آموختن
۱۲	گریستن و دوری
۱۵	هیچ گاه «جاگومتی» را ملاقات نکردم
۱۶	نیویورک و هنر مدرن
۱۸	گالری صبا، دوران ماجراجویی
۲۲	از اربابه های آریایی تا ...
۲۴	آوانگارد یعنی پیشتاز
۳۹	به هیچ سقاخانه ای نرفت
۴۱	سال ها دور از خانه
۴۲	اصلاً شغل آبرومندی نبود
۵۲	لذت کار در محدودیت کار

«کامران کاتوزیان، ۱۱ آذرماه ۱۳۲۰ در تهران، خیابان جمهوری، خیابان ۱۲ فروردین، در خانواده‌ای فرهنگی چشم به جهان گشود. حضور چند نقاش و حقوقدان توانا، غنا و سابقه‌ی فرهنگی این خانواده را آشکار می‌سازد. کامران در کودکی شاهد کارهای عباس کاتوزیان (نوه‌ی عمویی پدرش) بود. «احساس می‌کردم که چقدر به کارش مسلط است. دیدن کارهای او برای من لذت بخش بود». کامران از همان کودکی علاقه‌ی خود را به نقاشی نشان داد و به تدریج به سرگرمی او بدل شد، و در این کار نسبت به سنی که داشت، مهارت خوبی یافت. او نیز در ابتدا مانند دیگر نقاشان خاندان کاتوزیان تلاش کرد هر چیز را با جزییات فراوان ترسیم کند. «من از کودکی نقاشی و طراحی می‌کردم. یادم است وقتی نه ساله بودم، پول ۲ تومانی نقاشی می‌کردم و می‌بردتم که از بقالی پیسی بخرم و ... بعد بقال می‌فهمید و می‌آمد در خانه و پولش را طلب می‌کرد!»